



آوای هندی

نوشته رومین میترا

در سونات‌ها و اپنترلودها برای پیانو تلاش کرد ستهای بهاواها یا حالتهای پردوام احساس را که به بسیدار کسرنند و اکتش زیبای شناختی راسا یا رابعه کمک می‌کنند به زبان موسیقی بیان کند.

به نازگی لامونت یانگ و نری ریلی از طریق گورو (معلم مذهبی) خود پاندیت پران نات که موسیقی آوازی هندوستانی را به آنها آموخت پیوند نیرومندی با هند بافته‌اند. یانگ در پیانوی به موقع گانهای راگا را چنان به کار برده است که در مقابل صدای هم‌پیکوخت پیانو به درون و بیرون بافت حرکت کند. تازه‌های پنهان الهام شرقی را در آثار فیلیپ گلاس و استیورج سیز می‌توان ردیابی کرد. جان بارهام آهنگسازی غربی است که پیانو را مانند سنتور ایرانی به کار برده است.

موسیقی هندی و جاز و پاپ غربی

موج قابل توجهی از علاقه به موسیقی کلاسیک هندی در غرب به ویژه در ایالات متحده در دهه ۱۹۵۰، زمانی که جامعه آمریکا از محافظ کاری دوران پس از جنگ بیرون می‌آمد، برخاست. جو تجربه و تفسیر به شکل علاقه به حقوق مدنی، تأسیس سپاه صلح و رشد چند جنبش مترض نمودار شد. با گسترش این فرهنگ جدید جوانان و گرایش آن به گوروهای مقدس و تصویب مسحورکننده و اسطوره‌ای هند و مذهب آن، موسیقی هندی بخش

در هیچ جریان فرهنگی دوسویه‌ای سیستمهای فکری به طور کامل منتقل نمی‌شوند. فقط پاره‌هایی منتقل می‌شوند. در مورد تأثیر موسیقی کلاسیک هند بر موسیقی غربی آهنگسازان غربی گاهی عناصر تک‌پیکری چون راگا (رنگ یا مقام)، روپف و طین را از موسیقی هند گرفته‌اند و آنها را با سبک و برداشت شخصی خود آمیخته‌اند.

الکساندر اسکریابین و گوستاو هولست از آهنگسازان تحت تأثیر فرهنگ و موسیقی هندی بودند. هر دو آهنگساز به عرفان ساختگی قرن نوزدهم که هنرشناسها، فیلسوفها، حقه‌سازها و خاندانهای دست و دلباز طبقه بالای جامعه را با هم به زیر یک سوز هم‌گیر آیین هندو برد، علاقه‌مند شدند. شاید نظر آن اسکریابین درباره احساس و رنگ مدیون مفهوم راگسگت و هولست در ساروها از برخی سروده‌های ریگ‌ودا استنظاده کرده است.

اولیویه مسیان آهنگساز فرانسوی کیتورها و نتهای آرایش موسیقی هندی را می‌ستود و یک تئوری ریسی آفرید که ظاهراً از تهلای یا الگری ضرب هندی الهام گرفته است. در پرندگان بیگانه، اثر مسیان، باسازهای از سازهای خنرسی تهلای را به شکل کنسرتوئی برای موسیقی سازهای زهی و بادی اجرا می‌کنند.

هنری کوپل و آن هورواتس، آهنگسازان جدید آمریکایی، به ترتیب عناصر موسیقی هندی را در آثار خود سنفونی مبدرس و سونات مبدرس به کار برده‌اند. لوهاریسون و جسان کسج نیز پیوندهای عمیق و حسی با موسیقی هندی داشتند. کسج در ساختمان در فلز از شروتهای یا میکرو تونالتهای الهام گرفت و

از مسیان تا بیتلها، تمپ موسیقی هندی در غرب

بالا. آسامیل هندی به نام شاکتی که به وسیله جان مک لافلین موسیقیدان بریتانیایی تشکیل شد.

رومین میترا

روزنامه نویس، نویسنده و مترجم شناس فرهنگی هندی است. او در حال حاضر در خانه علوم انسانی در پاریس در برنامه پژوهشی هندسیای هند از چشم فیلسوفان فرانسوی به کار می‌کند.

مهمی از صحنه جدید شد.

تا دهه ۱۹۶۰ موسیقی هندی در لندن، پاریس، نیویورک، شیکاگو، لس آنجلس و شهرهای بزرگ دیگر اروپایی و آمریکایی شنوندگان بسیار پیدا کرد. این موسیقی، جدید و هیجان‌انگیز می‌نمود و ویژگی‌های معنوی عمیق و آرامش‌دهنده همراه داشت. بسیاری از عاشقان جاز این موسیقی را به دلیل امکان بداهه‌نوازی در آن، غرضه‌ای که برای هنرمند فراهم می‌کرد و ذخایر سیستم گامی یا مدال هندی شبیه جاز می‌دانستند.

محبوبیت زیاد موسیقی هندی بیشتر مدیون افرادی چون راوی شانکار، علی اکبرخان، بهودی متوهین و جرج هاريسون بود تا گروه‌ها و جنبشها. راوی شانکار به ویژه نقش مهمی در این محبوبیت داشت. او برای اینکه موسیقی هندی را برای شنوندگان غربی دست‌یافتنی‌تر کند از سنت هندوستانی منحرف شد؛ کسرت‌هایش را با قطعه‌کوتاهی آغاز می‌کرد و به دنبال آن قطعه‌هایی می‌نوخت که به نحوی فزاینده طولانی‌تر می‌شدند. چنانکه در مقدمه‌ای بر ضبط کسرتو برای سینتار و از کسرتو خود گفته است: «هنونده چندان هارمونی، کسرتو یون بسا الگوهای صدایی را که به شنیدنش عادت دارد و اساس موسیقی کلاسیک غربی را تشکیل می‌دهد در این موسیقی نخواهد یافت. من آگاهانه از اینها پرهیز کرده‌ام و فقط به کمترین مقدار به کارشان برده‌ام زیرا عناصری هستند که اگر بر آنها تأکید شود می‌توانند راگا - بهاوا (مقام و جوهر راگا) را تپاه یا حتی نابود کنند».

جرج هاريسون بسا زودن بسرخ مشکلات و موقوفیت در معرفی موسیقی ناآشنای هندی به شنوندگان پاپ غربی بر این کوشش صحنه گذاشت. صدای غربی سینتار در آواز جنگل تروزی «در آبیوم روح لاسیتیکی (۱۹۶۵)» و در «دون تو بدون توه در آبیوم هفت تیر (۱۹۶۶)» بیتل‌ها شنیده می‌شود.

دون چری، ترومپت نواز جاز در قطعه هوموس به گونه‌ای دیگر به موسیقی هندی نزدیک شده است. این اثر بر اساس یک سری نب، صدا و ریتم ساده و دو راگا ساخته شده است. گرچه ترومپت ساز ابتدایی برای خلق تغییر پرمده‌های میکروتونال، مشخصه موسیقی هندی، نیست.

در عین حال، دو هنرمند ویولون و کنتراپت از مدتها پیش در موسیقی کلاسیک، نیبه کلاسیک و حتی بعضی موسیقیهای فولکلور سازهایی پر جاذبه یوده‌اند. موسیقی کلاسیک غربی هیچ تأثیر قابل توجهی بر موسیقی هندی نگذاشته است، اما پاپ و راگ تأثیر شتابانی بر موسیقی فیلم هند داشته‌اند که اکثر آنها هیچ هویت اصیل یا پیوند بنیانی با سبک کلاسیک ندارند.

با اینکه موسیقی هندی در گذشته تأثیرهای بسیار پذیرفته است، فرایند اختلاط تدریجی و در واقع کوششی برای یافتن بدون از دست دادن ویژگیهای بنیانی کهنه بوده است. به هر حال، دو دهه گذشته برای نوازندگان سوفق هندی که پهل و شهرت فراوان در خارج از هند به دست آورده‌اند زمانی سرشار از غرور بوده است. گرچه سایه شادی است که موسیقی هندی در غرب چنین مهره‌های گوناگونی به بار آورده است، اما باید مراقب بود که برای شوک‌فانی این موسیقی در سرزمین خود، مسخیت مناسبی ایجاد و حفظ شود.

ترجمه امید افشاری



بلی مک کارتی و جرج هاريسون از گروه بیتل‌ها، در سفری به هند در ۱۹۶۸.

راوی شانکار، سینتار نواز و آهنگساز هندی (چپ) با فیلیپ گلاس آهنگساز آمریکایی.



گروه کارائسی کاسارو در کسرتو در پاریس در ۱۹۸۶.